

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال پنجم، شماره ۲، پیاپی ۱۷، تابستان ۱۴۰۰
صفحات: ۱۴۶-۱۳۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳
نوع مقاله: پژوهشی

الگوی سیاست امنیت نیروی انتظامی در چارچوب فلسفه سیاسی خواجه نصیر با تکیه بر گام دوم انقلاب

محمد سجاد شیروودی*

چکیده

اندیشمندان مسلمان از قدیم الایام بر وجود رابطه مستحکم دین و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام تأکید کرده اند و حتی برخی از آنان، معتقدند که پیوندی ذاتی بین دین مبین اسلام به عنوان برنامه‌ای جامع برای تنظیم زندگی انسانی و سیاست به عنوان ابزاری لازم جهت تحقق این برنامه وجود دارد، البته بایستی اذعان داشت که اشتراک نظر اندیشمندان مسلمان درباره وجود سیاست و دین در اسلام، لزوماً به معنی توافق آنها درباره همه جزئیات مربوط نیست. در حقیقت، می‌توان گفت که تعدد تعبیر و تفاسیر از همان زمان رحلت پیامبر اسلام (ص) آغاز شد که تاکنون هم ادامه دارد، برخی دیدگاه موافق دموکراسی و بعضی تفسیری مخالف آن از اسلام ارائه می‌کنند. به هر حال تعبیرهای مختلفی که از سوی اندیشمندان مسلمان در طول تاریخ پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عرضه شده حکایت از این واقعیت دارد که در جامعه اسلامی، سیاست لاقلاً از حیث نظری می‌تواند به صورت‌های گوناگونی تحقق یابد. یکی از این دانشمندان خواجه نصیرالدین طوسی می‌باشد که به سیاست با نگاه عملی در زمان مغول و تبدیل نمودن وحشی‌گری آنان به آرامش جامعه عمل پوشانده است. در این نوشتار ما سعی داریم با توجه به موارد مطروحه در بخش سیاست ملک و آداب ملوک خواجه در کتاب اخلاق ناصری به ارائه یک الگوی سیاسی امنیتی در نیروی انتظامی پرداخته و آن را با گام دوم انقلاب اسلامی ایران و کلید واژه عدالت از سوی مقام معظم رهبری در کشور روزآمد نماید.

کلید واژه‌ها

نیروی انتظامی، الگوی سیاسی امنیتی، گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری، خواجه نصیرالدین طوسی.

m.s.shiroody@gmail.com

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

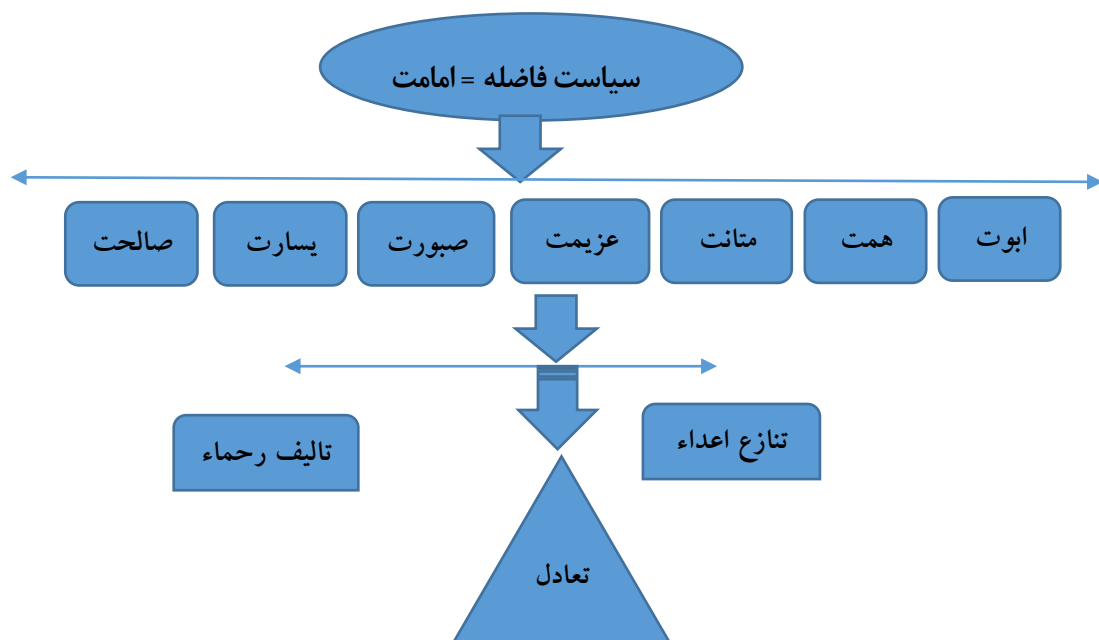
مقدمه

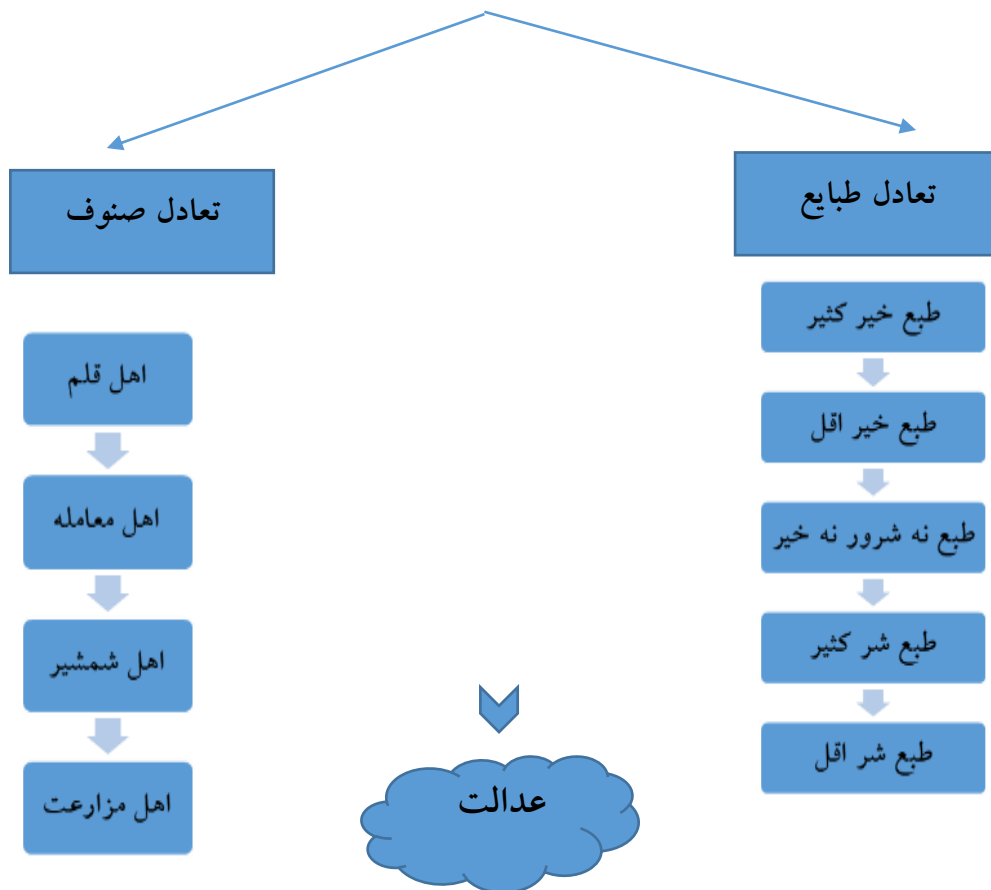
خواجه نصیرالدین طوسی در سال ۵۹۷ هجری در طوس نیشابور متولد شد و در سال ۶۷۲ هجری دار فانی را وداع گفت. سرزمین ایران در قرن هفتم علاوه بر داشتن وقایع عظیم سیاسی اجتماعی نظیر حملات وحشیانه مغولان و استیلای آنان و انقراض دولت مستحکم اسماعیلیان و خلافت عباسیان و آشفتگی های فراوان در ایران و جهان اسلام، بزرگان و حکیمان و فرهیختگان زیادی را در دل خود داشت. (اقبال آشتیانی، ۱۰۵:۱۳۷۵) خواجه نصیرالدین طوسی از نوابغ فرهیخته این دوره بسیار آشفته، بزرگترین نماینده فرهیختگان و حکما در رشته های حکمت، ریاضیات، اخلاق، ادبیات، منطق، طبیعیات و دیگر علوم روز بود. وی پس از تحصیل علوم شرعی و ادبی به تحصیل علوم مختلف عقلی یعنی حکمت، الهیات، ریاضیات و طبیعیات پرداخت و در زمان کوتاهی جامع الاطراف در همه علوم زمان خود گشت و سِمَت پیشوایی بر آنها یافت. (طبری، ۴:۱۳۷۷) وی آثار و تألیفات زیادی در قالب کتب، رسائل، فوائد، ترجمه و تحریر در علوم رایج به رشته تألیف در آورد که شمار آنها از صد می گذرد، درخشندگی وی در علوم عقلی و نقلی موجب شد، همه علما و اندیشمندان اسلامی یا از راه های دور از وی استفاده کنند و یا نزد وی جمع شده و حلقه های علمی تشکیل داده و به تحقیقات علمی در رشته های مختلف بپردازند. توجه به نظریات و دیدگاه های سیاسی وی و جایگاه سیاست در آثار و تألیفات وی از آن جهت اهمیت دارد که وی علاوه بر این که مفسر بزرگ فلسفه سیاسی ابونصر فارابی است و فلسفه سیاسی خود را به تناسب مبانی اعتقادی خود در قالب یک نظام سیاسی منحصر بفرد طرح نمود. در این نظام که خواجه آن را مدینه فاضله یا نظام امامت می نامد، تعادل دال مرکزی و عدالت خروجی آن به شمار می رود و نیز مقام معظم رهبری در دوره رهبری و به ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تعادل و عدالت را از ارکان مهم در ساخت و بقای جمهوری اسلامی دانسته است. اما در نگاه مقام معظم رهبری، نهادها و سازمان های متعددی زمینه ساز عدالت اجتماعی خواهند بود و در این میان نیروی انتظامی به دلیل تنوع ماموریت ها و وظایف محوله می تواند نقش مؤثر خواهد داشت.

مدل مفهومی:

تلاش در جهت برخورداری از یک نظام منسجم، معقول و حکیمانه در برخورد با کج روی و ممانعت از جرم و برقراری امنیت، یکی از خواسته های بشری بوده که در پرتو تجربه آموزی و رشد عقلانی انسان زمینه های آن فراهم شده است. نیروی انتظامی زیر مجموعه نظام امامت می باشد، نظام امامت از دیدگاه خواجه نصیر، دارای هفت ویژگی ابوت، همت، متانت، عزیمت، صبروت، یسارت و صالحت است. حاصل

تضارب و تعاطی این هفت صفت دوچیز است؛ تنازع اعداء و تألیف رحما(قلوب) و این تداعی کننده اشداء علی الکفار رحما بینهم می باشد. شدت با کفار و رحمت با مومنان به معنای تعادل رفتاری هر مومن مسلمان است که مصداق های دیگر آن را می توان در امر به معروف و نهی از منکر یا تولی و تبری دید. خواجه مصداق های این تعادل را در تعادل طبایع و صنوف ترسیم کرده است. نیروی انتظامی در این ایجاد این تعادل که به عدالت می انجامد، شریک است از آن رو که در این زمینه دارای ماموریت و وظایف ذاتی است لذا می توان با نگاهی به آنچه مقام معظم رهبری درباره نیروی انتظامی فرموده اند می توان نقش آن را در مورد هر یک از عناصر این مدل مفهومی برشمرد. همانگونه که اشاره کرده ایم، حاصل تعاطی و تضارب عناصر مدل مذکور، عدالت است که در بیانیه گام دوم انقلاب، یک موضوع محوری است. "عدالت در صدر هدف های اولیّه همه بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه ای مقدّس در همه زمان ها و سرزمین ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه ای بر عهده همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است."





در توضیح مدل مفهومی به خواجه برمی گردیم، خواجه هفت شرط زیر را برای حاکم ذکر می کند:

۱. **ابوت:** اگر شخصی حکومت را از پدر خویش ارث ببرد و به عبارت دیگر، دارای اصالت خانوادگی باشد، به راحتی می تواند در قلوب مردم نفوذ کرده، در چشم و نگاه آنان از هیبت، اعتبار و عزت خاصی برخوردار شود. "چه، نسب موجب استمالت دل ها و افتادن وقع و هیبت در چشم ها باشد، به آسانی"
۲. **همت بلند:** حاکم باید همّتی بلند در حکومت داشته باشد، این صفت پس از تهذیب نفس و فروکش نمودن غضب و دوری جستن از شهوات به دست می آید.

۳. **متانت رأی:** حاکم باید سنجیده و با دقت لازم نظر دهد، این صفت با مشورت های فراوان، مطالعات تاریخی، تجربیات پسندیده، اندیشه درست و دقت نظر به دست می آید: "به نظر دقیق و بحث بسیار و فکر صحیح و تجارب مرضی و اعتبار از حال گذشتگان حاصل آید."

۴. **قاطعیت در تصمیم گیری:** حاکم باید در تصمیم گیری، قاطعیت لازم داشته باشد و بتواند تصمیمات قطعی برای امور بگیرد. حاکم برای آن که بتواند از رذایل دوری جوید و فضایی را کسب نماید، تنها از طریق داشتن چنین فضیلتی قادر خواهد بود. مسأله تصمیم گیری قاطع، امری است که همه انسان ها به آن نیازمندند و در این میان، حاکم نسبت به همه مردم محتاج ترین است، چنین فضیلتی پس از ترکیب آراء درست و تمرکز لازم، به دست خواهد آمد.

۵. **صبر:** حاکم باید توانایی صبر و تحمل در زمان های بحرانی و خطر را دارا باشد تا بتواند در سختی ها با صبر و تحمل، کشور را به خوبی اداره کند.

۶. **یسارت:** آسان، فراخی، به آسانی، به سهولت، (در قدیم) چپ، طرف چپ در مقابل یمنی - گشایش، راحتی، حاکم باید آسایش و راحتی را برای مردم به ارمغان بیاورد.

۷. **همکاران شایسته و با کفایت:** حاکم اگر دارای یک گروه قوی و همدل در حکومت داری باشد، به خوبی قادر خواهد بود، حکومت را اداره نماید.

نیروی انتظامی به عنوان بخش نگه دارنده حکومت باید دارای همانگونه که در رهنمودهای رهبری آمده است: "آنچه مردم از نیروی انتظامی متوقع هستند، چیست؟ مردم می خواهند نیروی انتظامی قوی و مقتدر باشد؛ هوشمند و پیچیده باشد؛ سالم و امین باشد؛ سریع و بهنگام باشد؛ مؤدب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد... شما در بخش های قابل توجهی این لیاقت و آمادگی را از خودتان نشان داده اید." (سخنرانی رهبری ۱۵ مهر ۱۳۸۳) و باز می بینیم که به اعتقاد معظم له اقتدار، عزت، رحمت و رأفت، به عنوان چند خصوصیت ضروری نیروی انتظامی کارآمد و مورد قبول جامعه اسلامی است و البته باید پارسایی و پاکدامنی و عزت نفس، در همه بخش های نیروی انتظامی مشاهده کرد. در این صورت، نیروی انتظامی به مثابه بخشی از حاکمیت چون حاکم از متانت، صبر، قاطعیت و همت برخوردار است و لذا می توان آن را همکار شایسته حاکم یا ولایت فقیه دانست.

ناجا، تنازع با اعداء و تالیف رحماء در کلام خواجه و رهبری:

از نظر خواجه دستیابی به اغلب خصائل مذکور یا با منازعت است یا با ملاطفت و یا با تخالف میسر است (مدرسی زنجانی، ۱۳۶۳: ۴۷) یا با توافق ممکن و دست یافتنی است یا می توان گفت: تضارب و تعاطی این خصائل، تنازع با اعداء و تالیف با رحماء را جلوه گر می شود که نیروی انتظامی به عنوان بازوی حاکم اسلامی یا به تعبیر رهبری "نیروی انتظامی نماینده حاکمیت اسلامی است" (سخنرانی رهبری در ۶ اردیبهشت ۱۳۹۴) برای تحقق بخشی به جامعه اسلامی باید از آن برخوردار باشد. (طوسی، ۱۳۶۴: ۳۰۴) مقام معظم رهبری نیز، شکل گیری یک تصویر کاملاً مطلوب از نیروی انتظامی را در ذهن مردم ضروری دانسته اند و تأکید دارند: "باید تصویر یک یار مهربان (رحماء) و مقتدر (اعداء) از نیروی انتظامی در ذهن مردم ترسیم شود."

رهبر انقلاب اسلامی می افزایند: "اقتدار و قاطعیت بدون بی رحمی، سلامت درونی، حضور به هنگام و سریع، عطف و کمک به مردم و قانون گرایی عواملی هستند که موجب ارائه تصویری مثبت از نیروی انتظامی خواهد شد" (سخنرانی رهبری در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵)

رهبر انقلاب اسلامی در جای دیگری می افزایند: "مظهر این امنیت و عامل وسط میدان این امنیت عبارت است از نیروی انتظامی؛ بنابراین بایستی اقتدار داشته باشید؛ باید بتوانید مقتدرانه عمل کنید؛ باید بتوانید با قاطعیت عمل کنید. منتها نکته‌ی کار این است که اقتدار را با ظلم نباید اشتباه کرد؛ اقتدار را با حدومرز نشناختن و بی مهار حرکت کردن نباید اشتباه کرد. مثلاً فرض کنید در بعضی از کشورها - فرضاً در آمریکا - پلیس خیلی مقتدر است؛ آدمهای عضلانی را هم پشت دوربین‌ها و مانند اینها نشان می دهند که اینها به عنوان پلیس آمده‌اند وسط میدان و دارند قبض و بسط می کنند؛ خوب بله؛ لکن می زنند بی گناه‌ها را می کُشند؛ کسی را به عنوان اینکه مثلاً می خواسته اسلحه بکشد، پانزده شانزده گلوله می زنند و پدرش را درمی آورند، نابودش می کنند - این اقتدار مطلوبی نیست؛ اقتدار همراه با ظلم است؛ این اقتداری است که در نهایت، ایجاد امنیت نمی کند، ایجاد ناامنی می کند؛ خود این، عامل ناامنی می شود - بعد هم که می روند دادگاه، دادگاه‌ها هم اینها را تبرئه می کنند که می شنوید." (سخنرانی رهبری در ۶ اردیبهشت ۱۳۹۴)

پس ملاک اقتدار و قاطعیت را ایشان به درستی تبیین نموده اند و به دور از خشونت می باشد، اقتدار و قاطعیت درست باعث ثبات یک نظام الهی می شود.

الف - ناجا و تنازع با اعداء در کلام خواجه و رهبری:

به اعتقاد خواجه، اهل شمشیر چون ناجا، به منزلت آتش اند. (طوسی، ۱۳۶۴: ۳۰۵) به اعتقاد خواجه، در لشکر باید کسانی را به خدمت گمارد که شجاع، صائب و حارب باشند. (همان: ۳۱۲) همین تعبیر به اشکال گوناگون در سخنان رهبری مشهود است. "در جامعه اسلامی اجازه داده نمی شود، کسی در ملأ عام، به حیثیت دینی مردم اهانت کنند و آن را هتک نمایند و این وظیفه نیروی انتظامی است. در جامعه اسلامی اجازه داده نمی شود که کسی از مقررات زیستی، شهری، روستایی و صحرایی جمهوری اسلامی تخلف کند، کسانی که فضا را مخدوش می کنند و سلامت فضا را از بین می برند و این نیروی انتظامی است که جلوی این تخلفات را بگیرد. در جامعه اسلامی، هر آنچه که طبق قوانین شرعی و قوانین مجلس شورای اسلامی و مقررات رایج کشور، در بخش آشکار و چه پنهان، ممنوع است و مجاز نیست که تحقق پیدا کند، اگر دیده شد، دست قوی باید بیاید و جلوی این قانون شکنی را بگیرد و این دست قدرتمند، نیروی انتظامی است." (سخنرانی رهبری در ۲ بهمن ۱۳۷۰)

ایشان اضافه کرده اند که "گاهی به این جا تلفن می کنند، یا نامه می نویسند و شکایت می کنند که سر فلان محله، کسانی پیدا شده اند که به نوامیس مردم تعرض می کنند... گاهی تلفن می کنند، شکایت می کنند که مثلاً فلان خانه را به محل فساد تبدیل کرده اند و نمی گذارند استراحت کنیم و خوابیم؛ سر و صدا و های و هوی راه می اندازند و از لحاظ اخلاقی، نامنی ایجاد می کنند... گاهی شکایت می کنند که افرادی می آیند و موادی را در فلان کوچه توزیع می کنند، یا خرید و فروش انجام می دهند. در این گونه موارد ما به کجا باید مراجعه کنیم؟ به نیروی انتظامی (سخنرانی رهبری در ۲ بهمن ۱۳۷۰)

رهبر انقلاب اسلامی در جای دیگری می افزایند: "نیروی انتظامی باید از اقتدار حقیقی، برخوردار باشد تا آحاد ملت، احساس کنند که پاسدار امنیت فردی و اجتماعی آنها، مجموعه ای مقتدر است و قدرت دفاع از آنان در برابر دشمنان و عوامل مخل امنیت جامعه را دارد. (سخنرانی رهبری در ۲۱ تیر ۱۳۷۴) یا "در جامعه ی اسلامی نباید اجازه داده شود که عناصر ناباب به حیثیت دینی مردم اهانت کرده و آن را هتک کنند. نیروی انتظامی باید با این مسأله و همچنین نقض هر آنچه که طبق قوانین شرعی و مقررات رایج کشور در زندگی آشکار مردم ممنوع است، برخورد کند و قدرتمندانه مانع قانون شکنی در سطح جامعه شود. مقام معظم رهبری محبوبیت نیروی انتظامی را در پرتو قاطعیت براساس قانون میسر دانستند و ضمن برحذر داشتن این نیرو از رعایت ملاحظات قشری و یا گروهی فرمودند: نیروی انتظامی باید در اجرای قانون رعایت اخلاق را مدنظر قرار دهد و قانون را در عین قاطعیت با خوشرویی و مهربانی اعمال کند. در جامعه ای که معیار و ملاک آن اسلام است نیروی انتظامی باید متناسب با آن به حفظ و

حراست از حساسیتهای جامعه بپردازد که تأمین امنیت اخلاقی جامعه نیز از آن جمله است." (سخنرانی رهبری در ۲ بهمن ۱۳۷۰)

ب- ناجا و تألیف رحماء در کلام خواجه و رهبری:

خواجه می گوید: "استعمال شمشیر نباید کرد آنجا که دیوس (چماق) بکار توان داشت و باید که آخر همه تدبیرها محاربت است... بعد از ظفر البته قتل نفرماید و عداوت و تعصب استعمال نکند." (طوسی، ۱۳۶۴: ۳۱۲) رهبر انقلاب اسلامی نیز چون خواجه معتقد به رحمت در نیروی انتظامی یا به تعبیر رهبری نیروی مسلح اجتماعی است: "زحمات نیروی انتظامی، دقیقاً همان چیزهایی است که به این نیرو ارزش می بخشد؛ مردم هم آن را می بینند و احساس می کنند. آن کسی که در خانه خود با آرامش شب را صبح می کند، یا محل کسب خود را در منطقه‌ای دور از دسترس خود رها می کند و در خانه آرام می خوابد، به شما مطمئن است. آن کسی که به تنهایی سوار خودرو می شود و یک جاده‌ی طولانی را در پیش می گیرد که ساعت های متمادی باید در این جاده طی طریق کند، او به اعتماد شماست؛ چون شما حاضرید؛ چون شما شانه‌های خود را زیر بار این خدمت بزرگ داده‌اید؛ چون شما در مقابل خطراتی که متوجه اوست، سینه سپر می کنید لذا او احساس آرامش می کند؛ این خیلی افتخار است." (سخنرانی رهبری در ۱۷ مهر ۱۳۷۸)

در جایی دیگر ایشان تأکید دارند: "نیروی انتظامی باید محبوب باشد اما محبوبیت خود را باید در چه چیزی به دست بیاورد؟ در قاطعیت بر اساس قانون و بر اساس همان چیزی که در مقررات از او طلب شده است؛ نه در ملاحظه کسی، ملاحظه جمعی، رعایت میل قشری یا گروهی؛ ابداً. اگر چنین کاری بشود و چنین رعایت هایی خارج از قانون انجام بگیرد، تخلف شده است. تنها رعایتی که نیروی انتظامی باید بکند، عبارت است از رعایت قانون و رعایت اخلاق در اجرای قانون، البته در اجرای قانون، دو گونه می شود عمل کرد: یکی با بداخلاقی و کج خلقی و عبوس بودن و تکبر و نخوت و امثال این ها؛ یکی هم با خوش اخلاقی و مهربانی، اما با قاطعیت. این نوع دوم باید معمول باشد؛ اعمال قاطعیت، به اضافه اخلاق خوب چون هدف باید تألیف قلوب مردم باشد." (سخنرانی رهبری در ۲ بهمن ۱۳۷۰)

ایشان باز هم در سخنرانی دیگری تأکید می کنند: "مراقب باشید خط مستقیم و راه شناخته شده و درست را - که راه وظیفه و راه قانون است - از دست ندهید و رها نکنید. انسان وقتی با مردم مواجه است، کار ظرافت پیدا می کند. هم انجام وظیفه، هم نشان دادن اقتدار قانون، هم جلوگیری از هرگونه تخطی و تجاوز از قانون، هم نشان دادن صلابت انجام وظیفه، هم نشان دادن رحمت؛ ببینید مرز اینها چقدر به هم نزدیک است و چقدر این خطی که از میانه این همه نشانه و علائم میگذرد، خط ظریفی

است. هرچه موفقیت در این نظام و برای این مردم به وجود آمده است، برای رعایت همین خصوصیات است. از طرفی رعایت وظیفه و رعایت قانون؛ از طرفی محبت به مردم، به کسانی که انسان با آنها مواجه می شود؛ سختگیری در موارد تخلف؛ در عین حال محبت و گذشت در موارد قابل گذشت." (سخنرانی رهبری در ۱۷ مهر ۱۳۷۸) مجموعه نیروی انتظامی، مدافع ارزشهای اسلامی و انقلابی است و همین ارزشها نیز در درون این نیرو باید به عنوان معیار و میزان، حاکم باشد. بزرگترین وظیفه نیروی انتظامی، حفظ ارزشهاست و این نیرو باید با اقتدار، عزت و رحمت خود، فضایی را ایجاد کند که آحاد جامعه، تقوا، پرهیزگاری، معنویت، دوری از فساد و دشمنی با هرگونه کجروی و انحراف را در آن مشاهده کنند. (سخنرانی رهبری در ۲۱ تیر ۱۳۷۴)

نتیجه ای که در این بخش (ناجا، تنازع با اعداء و تألیف رحماء در کلام خواجه و رهبری) به دست می آید آن که خواجه در حفظ دولت، تألف اولیا و تنازع اعدا را سبب می داند، از این رو، توجه پادشاه به حال رعیت را واجب دانسته و لزوم توقّر پادشاه بر قوانین عادلانه را متذکر شده است، چرا که رابطه ای مستقیم بین قوام مملکت با عدالت ورزی برقرار می کند و قوام مدن را به ملک و قوام ملک را به سیاست و قوام سیاست را به حکمت می داند. رهبری نیز تأکید دارند: "نیروی انتظامی، هم مظهر اقتدار نظام و نظمی است که می خواهد امنیت کشور را حفظ کند و تأمین کند و از آن پاسداری کند، هم مظهر مهربانی و دلسوزی و روحیهی رأفت و رحمت نظام نسبت به آحاد مردم است. این دو تا در کنار هم و توأم با یکدیگر باید مورد توجه قرار بگیرد." (سخنرانی رهبری در ۲۹ شهریور ۱۳۹۰)

تنازع با اعداء و تألیف رحماء تعادلی را پیش می آورد که نیروی انتظامی را به سمت و سوی برخورد تعادلی با مردم و صنوف می کشاند.

ناجا، تعادل طبایع و صنوف در کلام خواجه و رهبری:

این بخش می کوشد تا تعادل را در خواجه، رهبری و ناجا از طریق نحوه برخورد با طبایع و صنوف نشان دهد.

الف - ناجا و تعادل در برخورد با طبایع مختلف انسانی:

خواجه نصیر مردم را در پنج صنف قرار می دهد و در هر صنف، علاوه بر خصایص و ویژگی های هر یک، وظایف و نحوه برخورد حاکم و دولت با آن ها را نیز بیان می دارد:

اولین گروه، آن هائیند که طبیعتاً خیر هستند و خیرشان به دیگران می رسد. این گروه خلاصه آفرینش هستند و در ذات و جوهر، مانند رئیس اعظم می باشند. افرادی که در حلقه دولت قرار دارند،

باید از این گروه باشند. این گروه باید مورد تعظیم، تجلیل، اکرام و احترام حکومت باشند و بر سایر مردم ریاست نمایند. پادشاه و رئیس حکومت موظف است از این دسته برای اداره امور کشور بهره ببرد. "کسانی که به طبع خیر باشند و خیر ایشان متعددی بود، این طایفه خلاصه آفرینش اند و در جوهر مشاغل، رئیس اعظم. پس باید نزدیک ترین کسی که به پادشاه بود، این جماعت باشند و در تعظیم و توقیر و اکرام و تجلیل ایشان، هیچ دقیقه مهمل نباید گذاشت و ایشان را رؤسای باقی خلق باید شناخت."

دومین گروه طبیعتا خیرند، ولی خیرشان به دیگران نمی رسد. این دسته را باید عزیز داشت و سعی کرد تا حاجات و نیازمندی های آنان برآورده شود؛ یعنی دولت وظیفه دارد نیازها و حوایج این گروه را برآورده و از هیچ کوششی در قبال آنان دریغ نرزد. "کسانی که به طبع خیر باشند و خیر ایشان متعددی نبود، این جماعت را باید عزیز داشت و در امور خود مزاح العله گردانی."

سومین گروه طبیعتا نه خیرند و نه شریرند. این گروه باید از امنیت لازم برخوردار باشند و به امور خیر تشویق شوند تا بتوانند به اندازه استعداد و توانشان به کمال برسند. "کسانی که به طبع، نه خیر باشند و نه شریر. این طایفه را ایمن باید داشت و بر خیر تحریض فرمود تا به قدر استعداد، به کمال برسند."

چهارمین گروه طبیعتا شریرند، ولی شرشان به دیگران نمی رسد. این گروه باید تحقیر و اهانت شوند و آن ها را با اوامر، نواهی، مواعظ، تشویق ها، ترس ها، بشارت و انذار نمود. به عبارت دیگر، باید آنان را امر به معروف و نهی از منکر کرد. "کسانی که شریر باشند و شر ایشان متعددی نبود، این جماعت را تحقیر و اهانت باید فرمود و به مواعظ و زواجر و ترغیبات و ترهیبات، بشارت و انذار کرد تا اگر طبع خود بازگذارند و به خیر گریند و الا در هوان و خواری می باشند."

پنجمین گروه طبیعتا شریرند و شرشان هم به دیگران می رسد. این گروه پست ترین موجوداتند. طبیعت اینها ضد طبیعت رئیس اعظم است و ذاتا با گروه اول منافات دارند. در برخورد با این گروه، باید موارد ذیل را مدنظر قرار داد: اگر می توان به اصلاح و سلامت آنان امیدوار بود، باید با تنبیه و شکنجه آنان را اصلاح کرد. اما اگر نمی توان به اصلاح و بهبود آنان امیدوار بود، اگر شرارت و بدی آن ها خصوصی باشد، باید با آنان با مدارا برخورد کرد اما اگر شرارت و بدی آن ها عمومی باشد، باید شرارتشان را از بین برد تا در جامعه رواج پیدا نکنند. "کسانی که به طبع شریر باشند و شر ایشان متعددی، و این طایفه خسیس ترین خلایق و ردآله موجودات باشند و طبیعت ایشان ضد طبیعت رئیس اعظم بود و منافات این صنف با صنف اول ذاتی باشد. این قوم را مراتب بود: گروهی که اصلاح ایشان امیدوار بود به انواع تأدیب و زجر، اصلاح باید کرد، و الا از شر منع کرد، گروهی را که اصلاح ایشان امیدوار نبود، اگر شر ایشان شامل

نبود با ایشان، مداراتی رعایت باید کرد و اگر شر ایشان عام و شامل بود، ازاله شر ایشان واجب باید دانست."

مواجهه نیروی انتظامی با طبایع مختلف انسان ها بر اساس قاعده تعادل این گونه است که آن نیرو حامی انسان هایی است که دارای طبع خیر کثیراند و مشوق کسانی است که دارای طبع خیر اقل اند تا طبع خیر خود را گسترش دهند و می کوشد ضمن مدارا با کسانی که نه طبع خیر دارند و نه طبع شر آنان را به سوی دارندگان طبع خیر بکشاند و تنها با کسانی در جدال است که طبعی با شر کثیر و اقل دارند اما به دو اندازه متفاوت .

به برخی از رهنمودهای رهبری در این باره نگاه کنید:

۱. طبع با شر کثیر:

"مردم انتظار دارند وضع جامعه بگونه‌ای باشد که جوانان شان در بیرون از خانه، تحت هجوم مسائل غیراخلاقی قرار نگیرند بنابراین نیروی انتظامی باید با کسانی که با اشاعه فساد در جامعه امنیت اخلاقی مردم را تهدید می کنند مقابله نماید." (سخنرانی رهبری در ۱۴ مهر ۱۳۸۱) "امنیت و نظم اجتماعی برای مردم گاه از مسائل معیشتی مهمتر است لذا با کسانی که با رفتار یا گفتار خود متعرض آسایش و امنیت و آرامش دیگران می شوند باید بدون اغماض برخورد کنید. ضمن آنکه حریم شخصی افراد تا جایی که با رفتار خود به دیگران تعرض نمی کنند کاملا محترم است" (همان)

حضرت آیت الله خامنه‌ای، «جلوگیری از خرید و فروش سلاح» را یکی دیگر از وظایف مهم نیروی انتظامی برشمردند و افزودند: در برخی کشورها مانند آمریکا، خرید و فروش سلاح به علت منافع مافیایی کمپانی‌های اسلحه‌سازی آزاد است و برای مردم آن مشکل ساز است، اما در کشور ما که چنین مشکلی وجود ندارد و خرید و فروش سلاح ممنوع است، باید جلوی آن گرفته شود. رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر جلوگیری از خرید و فروش سلاح در فضای مجازی، گفتند: قاتل روحانی همدانی در صفحه‌ی اینستاگرام با چهار نوع اسلحه تصاویری از خود منتشر کرده است که مقابله با این گونه موارد وظیفه‌ی نیروی انتظامی است. (سخنرانی رهبری در ۸ اردیبهشت ۹۸)

۲. طبع با خیر کثیر:

"مردم باید هنگامی که به نیروی انتظامی مراجعه می کنند، احساس نمایند که گوشه شنوا، زبانی پاسخگو و دلی مهربان در انتظار آنهاست." (سخنرانی رهبری در ۱۸ مهر ۱۳۷۹) "در قضیه‌ی سیل اخیر، نیروی انتظامی با خدمت‌گزاری به مردم آسیب‌دیده و تأمین امنیت مناطق سیل‌زده خوش درخشید." (۸ اردیبهشت ۱۳۹۸) "هیچ سازمان و نیرویی به اندازه‌ی نیروی انتظامی در مقابل چشم مردم

قرار ندارد و بر همین اساس، توانایی، قدرت، اقدام به موقع و رشادت این نیرو، مایه‌ی افتخار و سربلندی برای نظام است." (سخنرانی رهبری در ۲۶ شهریور ۱۳۹۶) در جای دیگری ایشان می‌فرمایند: "ملت ایران به برکت تمسک به اسلام و قرآن و ارزشهای اسلامی در سطح جهان اقتدار پیدا کرده است و بر همین اساس، نیروی انتظامی متعلق به این ملت، باید پاسدار این ارزشها باشد و در هر نقطه‌ای از کشور بگونه‌ای ظاهر شود که اهل فساد و رشوه و بی‌تقوایی از او بترسند و اهل تقوا با دیدن او دلگرم و امیدوار شوند و احساس کنند که محیط جامعه، فضای مناسبی برای تنفس و زندگی سالم و امن است. (سخنرانی رهبری در ۲۱ تیر ۱۳۷۴)

نگارنده تنها درصدد مؤیداتی درباره برخورد همزمان و متعادل نیروی انتظامی با طبایع گوناگون است. همانگونه که با طبع با خیر کثیر همراه است با طبع با شر کثیر بیگانه است و نیز برخورد آن با دیگر طبایع از همین قاعده پیروی می‌کند.

ب- ناجا و تعادل در برخورد با طبایع مختلف صنوف:

خواجه می‌گوید: "و بر پادشاه واجب بود که در حال رعیت نظر کند و بر حفظ قوانین معدلت توفیر (کوشش بسیار بسیار) نماید، چه قوام (برپایی) مملکت به معدلت (عدالت‌گرایی) بود و شرط اول در معدلت (تکافی) آن بود که اصناف خلق را با یکدیگر متکافی (هم شأن) دارد، چه همچنان که امزجه (مزاج ها) معتدل به تکافی (هم شأنی، همسری) چهار عنصر حاصل آید، اجتماعات معتدل به تکافی چهار صنف صورت بندد:

شرط اول در معدلت آن بود که اصناف خلق را با یکدیگر متکافی دارد:

برابری در چهار صنف وجود دارد:

۱- اهل قلم (فرهنگیان)؛

مانند دانشمندان، فقها، قضات، نویسندگان، حسابداران، مهندسان، منجمان، پزشکان و شعرا؛ چرا که قوام دین و دنیا به وجود این هاست، این دسته مانند آب در طبیعت هستند.

۲- اهل شمشیر (نظامیان)؛

مانند جنگجویان، مجاهدان، بسیجیان، مرزداران، محافظان (نیروهای انتظامی) که نظم و امنیت جامعه به دست این ها تأمین می‌شود، این دسته مانند آتش در طبیعت هستند.

۳- اهل معامله (بازاریان)؛

مانند تاجران، پیشه وران، صنعت گران و گردآوران مالیات که بدون همکاری این گروه، معیشت و زندگی انسان ها غیر ممکن است. این دسته مانند هوا در طبیعت هستند.

۴- اهل مزارعه؛

مانند برزگران، دهقانان و کشاورزان که مواد غذایی جامعه را تأمین می کنند و جامعه بدون این دسته نمی تواند باقی بماند، این گروه مانند خاک در طبیعت هستند.

هیچ یک از اصناف چهارگانه نباید بر دیگری اولویت داشته باشد؛ بدین معنا که اصالت را نباید به یک صنف داد و از اصناف دیگر چشم پوشی کرد؛ زیرا همه این ها مکمل همدیگر در جامعه هستند." و چنان چه از غلبه یک عنصر بر دیگر عناصر، انحراف مزاج از اعتدال و انحلال ترکیب لازم آید، از غلبه یک صنف بر سه صنف دیگر انحراف امور اجتماع از اعتدال و فساد نوع لازم آید و از الفاظ حکما در این معنی آمده است که: "فضیلة الفلاحین هو التعاونُ بالأعمال و فضیلة التجار هو التعاونُ بالاموال و فضیلة الملوك هو التعاونُ بالأراء السیاسیة و فضیلة الالهیین هو التعاونُ بالحکم الحقیقیة، ثم هم جمیعا یتعاونون علی عمارة المدن بالخیرات و الفضائل"

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به ظرافت و پیچیدگی وظیفه‌ی نیروی انتظامی، بر ضرورت رعایت جنبه‌های علمی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در برخورد با قشرهای مختلف مردم تأکید کردند و در خصوص اجرای طرح امنیت اجتماعی افزودند: نیروی انتظامی باید با پرهیز از طرح‌های موسمی و موقت، طرح امنیت اجتماعی را با قدرت ادامه دهد تا اهداف آن در جامعه نهادینه شود. (سخنرانی در ۱۶ آبان ۱۳۸۶) باید با هرگونه تخلفی برخورد جدی صورت گیرد؛ به خصوص در مواردی که همکاری با باندهای مختلف می‌باشد که این موارد از مصادیق خیانت است و باید با آن با شدت و منطبق بر عدل و قانون برخورد شود. (سخنرانی در ۱۲ مهر ۱۳۸۲)

نامنی فقط به این نیست که دزد به خانه‌ها یا مغازه‌ها یا بازار یا خیابان بیابد - این یکطور نامنی است؛ نامنی مالی است - ما نامنی عرضی و ناموسی هم داریم؛ جلوی آن را هم شما باید بگیرید. (سخنرانی در ۲ بهمن ۱۳۷۰)

اگر نیروهای مسلح، خودشان را در مقابل دشمن تجهیز و سینه سپر نمی کردند؛ اگر آحاد ملت ایران در کنار نیروهای مسلح و در قالب بسیج به میدان نمی رفتند و خودشان را آماده فداکاری نمی کردند، می دانید بر سر کشور چه می آمد؟ می دانید آبرو و ناموس و شخصیت و غرور این ملت بزرگ چگونه لگدمال دشمنان می شد؟ رزمندگان و بخصوص شهدای عزیز ما به گردن این ملت و به گردن همه ما

حق حیات دارند. (سخنرانی در ۴ مهر ۱۳۸۰) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: در برخورد با برخی افراد که تعمداً یا از روی بی توجهی چهره جامعه را از لحاظ دینی، نجابت و عفاف خارج می کنند نیز باید توسط نیروی انتظامی برخوردی قوی و صحیح انجام شود. (سخنرانی در ۵ اردیبهشت ۱۳۸۹) یا فرمانده کل قوا به خطر افتادن سرمایه‌گذاری و تلاش اقتصادی بر اثر مقابله با طبقه جدید مرفه بی‌درد را نادرست خواندند و فرمودند: "دستگاههای قضایی و قانونگذاری و دستگاههای گوناگون کشور باید با متخلف برخورد کنند و کسی که متخلف است باید احساس نا امنی کند. هر نظامی که در آن بیگناهان بترسند که مبدا مورد تعرض قرار بگیرند، و گناهکاران عمده احساس آسایش و آرامش کنند، آن نظام منحرف است و نباید اجازه داد که نظام اسلامی ما چنین وضعی را پیدا کند. (سخنرانی در ۲۵ تیر ۱۳۷۶)

نتیجه این بخش عبارت است از این که برخورد متعادل ناجا طبایع مختلف و برخورد متعادل ناجا با صنوف مختلف از یک سو برآمده از نظر خواجه در باب تعادل طبایع و صنوف است و از سوی دیگر همین امر در رهنمودهای رهبری قابل تأیید است.

نزد محقق طوسی، در سیاست متعالیه، رئیس دولت، طبیبی است که بر علاج بیمار و حفظ صحت وی، اختیار تام و کامل دارد تا از بستر، قیام کند. وی حکومت را جمع‌کننده هفت صفت: ابوت، علو همت، متانت رای، عزیمت تمام، صبر، یسار و اعوان صالح می‌داند و برای پیشگیری و درمان درد در درون نظام سیاسی، پیوسته حاکمان را به عدالت، احسان و پایبندی به قانون فرا می‌خواند. محقق طوسی در مقام تجویز، برای اسباب صیانت و «تدبیر حفظ دولت» دو چیز، «یکی تالف اولیا و دیگر تنازع اعدا» را به رئیس دولت توصیه می‌کند؛ به عبارت دیگر خواجه بر مبنای دوگانگی وجود انسان و اصالت خیر در افعال انسانی بر این باور است که حفظ دولت نتیجه دو امر داخلی یعنی «تالیف اولیا» و امر خارجی یعنی «تنازع اعدا» بوده و مبتنی بر ماهیت شرآمیز افعال ارادی است تا ضمن تشریح «تنازع اعدا» و دفع شرور مدینه ضاله به اسباب حفظ مدینه و شکوه دولت مختار در راستای جامعه آرمان‌گرای اسلامی بپردازد؛ اگرچه در مصلحت موجود کمی خلل آید. خواجه شکاف میان وضع موجود و دولت آرمانی را معطوف به اصل عدالت، احسان و پایبندی به قانون می‌داند که مساله‌ای معطوف به استعدادهای مدینه و امری گریزناپذیر در حفظ همزمان مصلحت عمومی و مصلحت مسلمانان است.

چنانکه سفارش‌ها امیرالمؤمنین علی(ع) در نهج‌البلاغه بر این موضوع تأکید دارد که کفه عدالت باید قوی‌تر باشد چراکه هر میزان عدالت در یک نظام سیاسی و یک کشور بیشتر باشد، معنویت و اخلاق نیز بیشتر می‌شود؛ علاوه بر این مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خودشان، بیشتر خواهد شد. موضوع عدالت را دغدغه همیشگی رهبر انقلاب می‌باشد، در سال ۱۳۸۰ مقام معظم رهبری فرمان ۸ ماده‌ای را

برای مبارزه با مفسد اقتصادی به سران قوا ابلاغ فرمودند و نشان‌دهنده این است که دغدغه اصلی رهبری معظم بر همین مبنا استوار است و مسئله تازه و بدیعی نیست و در گام دوم انقلاب نیز بر آن تکیه کرده اند و یکی از لوازم اصلی برقراری عدالت و برخورد با مخلان آن نیروی انتظامی می باشد و این سازمان برای پیشقدم بودن در آن در سال جاری اقدام به تاسیس پلیس امنیت اقتصادی نموده است.

نتیجه گیری

نکته قابل تاکید در این نوشتار این بود که نیروی انتظامی زیر مجموعه نظام امامت می باشد، نظام امامت از دیدگاه خواجه نصیر، دارای هفت ویژگی ابوت، همت، متانت، عزیمت، صبر، یسارت و صالحت است. حاصل تضارب و تعاطی این هفت صفت دو چیز است؛ تنازع اعداء و تألیف رحما(قلوب) و این تداعی کننده اشداء علی الکفار رحما بینهم می باشد. نیروی انتظامی در این ایجاد این تعادل که به عدالت می انجامد، شریک است از آن رو که در این زمینه دارای ماموریت و وظایف ذاتی است لذا می توان با نگاهی به آنچه مقام معظم رهبری درباره نیروی انتظامی فرموده اند می توان نقش آن را در مورد هر یک از عناصر این مدل مفهومی برشمرد. ما در این نوشتار سعی کردیم با استفاده از فصل ۴ کتاب سیاست مدن خواجه نصیر الدین طوسی فاکتورهای لازم برای ارائه یک الگوی سیاسی امنیتی نیروی انتظامی با تکیه بر فرمایشان مقام معظم رهبری در گام دوم را که ریشه همه آنان کلید واژه عدالت می باشد مطرح نماییم که انشالله موفق بوده باشیم. اما یافته های تحقیق ما بر چند پایه استوار بود: الف) اندیشه سیاسی خواجه بر تعادل و عدالت است. ب) - عدالت در اندیشه سیاسی رهبری جایگاهی مهم دارد. ج) - نظامیان از نظر خواجه و ناجا از نظر رهبری تعادل بخش اند. د) - نتیجه برخورد متعادل با پدیده ها، طبایع و صنوف عدالت است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۷۶). تاریخ مغول، تهران: نشر نامک.

مدرسی زنجانی، محمد (۱۳۶۳). سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

محمد بن جریر طبری (۱۳۷۷). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۴، تهران: انتشارات اساطیر.

خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۷۳). اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چاپ پنجم، تهران: خوارزمی.

مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در خصوص نیروی انتظامی.

بیانیه گام دوم انقلاب.